

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
پهنا	عرض	یاری رسانی	امداد	نخست	اول
درازا	طول	یاری	مدد	نخستین	اولین
دراز	طویل	یاری رسان	امدادگر	نخست	ابتدا
بلندی	ارتفاع	رهسپار	عازم	آغاز	شروع
پهن	عریض	روبرو	مقابل	جامه	لباس
گود	عمیق	برابر	مساوی	پیروزی	فتح یا ظفر
بیمار	مریض	پند یا اندرز	نصیحت	سرپرست	رئیس یا مسئول
بیماری	مریضی یا مرض	انجمن	مجلس	بازگشت	مراجعت
بیمارستان	مریض خانه	خرد	عقل	دلیر	شجاع
زخمی	مجروح	چشم انداز	منظره	مزه	طعم
زخم	جرح	زندان	حبس	سرانجام	عاقبت
آسیب	صدمه	زندانی	محبوس	سخنران	خطیب
آسیب دیده	صدمه دیده	کامیابی	موفقیت	سازش - آشتی	صلح
آسیب دیده	مصدوم	کامیاب	موفق	نما	ظاهر
فرزندان	اولاد	سترگ	عظیم	دیدن	مشاهده
داد	عدل	دوست	رفیق	تو یا درون	داخل
دادگستر - دادگر	عادل	واژه	کلمه	نابود	منهدم
ستم - بیداد	ظلم	واژه ها	کلمات	نابودی	انهدام
ستمگر - بیدادگر	ظالم	گزینش	انتخاب	آگاهی	اطلاع
ترف (Tarf)	قره قروت (ترکی)	پایداری	استقامت	آماده	حاضر
جنبش	تحرك	یادآوری	تذکر	کناره یا کنار	ساحل
رهای	خلاصی	نزدیک	قریب	ناآشنا	غریب
رها	خلاص	میان	بین	ناآشنایی	غریبی
برادر	اخوی	نماز	صلوة	شست و شو	غسل
پیمان نامه	قرارداد	پیمان	قرار	پیمان	عهد
نیرو - توان	قدرت	نیرومند	قدرتمند	جشن	عید
فرستادن	ارسال کردن	فرستاده	رسول	جشن ها	اعیاد
گریز	فرار	پاسخ	جواب	پرسش	سؤال
روزانه	یومیه	دزد	سارق	دزدی	سرقت
سودمند	مفید	پذیرفتنی	قابل قبول	بیکران	بینهایت